

تعهد رسانه در قبال شفافیت قضایی

محمدجواد جاوید* - عصمت شاهرادی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۴)

چکیده

پایبندی به اصل عدالت علنی مستلزم آن است که فرایند دادرسی از شفافیت لازم برخوردار باشد، بدین معنی که عدالت مادامی که رؤیت نشود، محقق نشده است. این مقاله، با بررسی کارکرد حقوق بشری رسانه در دستگاه قضایی به چالش‌ها و نیز منافع استفاده از این نهاد با هدف افزایش شفافیت و پاسخگویی قضایی و در نتیجه کاهش فساد قضایی می‌پردازد. سؤال اصلی در این تحقیق میزان کارایی رسانه در دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران با وجود چالش‌های متعدد آن است. این نوشتار با مفروض دانستن منافع بالقوه رسانه در تضمین حقوق شهروندان در دستگاه قضایی، در ابتدا به بحث فساد قضایی و نقش رسانه در مقابله با این معضل می‌پردازد. سپس با بررسی وضعیت ایران، به انعکاس رسانه در آیین قوانین از جمله قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی پرداخته و در بخش سوم نیز با نظر به ویژگی‌های خاص دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران راهکارهایی را در این زمینه ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: عدالت، فساد قضایی، رسانه، شفافیت

۱- مقدمه

امروزه دسترسی به آرای دادگاه‌ها جهت نقد و بررسی فرآیند دادرسی به اصلی مهم در جهت ایجاد شفافیت قضایی و مبارزه با بی‌عدالتی تبدیل شده است. نشر آراء محاکم در بسیاری از امری رایج است چنان‌که در کشور فرانسه از سال ۱۸۳۰ تاکنون نزدیک به دو قرن است که متخصصان به نقد و بررسی آرای دادگاه‌ها می‌پردازند. (بختیارنژاد، ۱۳۸۴) در نظام حقوقی ایران، گرچه اصل بر «علنی بودن» محاکمات است، اما محدودیت‌هایی برای دسترسی به اطلاعات قضایی به‌ویژه در مورد دادگاه‌های کیفری وجود دارد.

نوشتار حاضر بر اساس دغدغه‌های فوق به بررسی نقش رسانه به عنوان یکی از ابزارهای دستیابی به شفافیت قضایی و میزان موفقیت آن برای اجرایی نمودن آرمان عدالت‌گستری در جامعه امروزی می‌پردازد. این مقاله در سه بخش اصلی، در بخش اول به بحث فساد قضایی و نقش رسانه در مقابله با این معضل می‌پردازد. در بخش دوم، با بررسی وضعیت ایران، به انعکاس رسانه در آیین قوانین از جمله قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌پردازد.

در بخش سوم نیز با نظر به ویژگی‌های خاص دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران به ارائه راهکارهایی در این زمینه می‌پردازد.

بخش اول: رسانه و شفافیت قضایی

این بخش در دو قسمت ابتدا به بررسی مفهوم فساد قضایی، ویژگی‌های دستگاه قضایی سالم، سازوکارهای افزایش پاسخگویی قضایی، فرصت‌های فساد، نقش جامعه مدنی در گزارش‌دهی فساد و تحلیل پرونده‌ها می‌پردازد.

در قسمت دوم به بررسی نقش رسانه در مقابله با فساد در دستگاه قضایی پرداخته و مباحثی همچون رسالت رسانه در تضمین عدالت و ایجاد رویه قضایی، مفهوم عدالت علنی، نقش رسانه در برخورد با قضات در دسرساز، محدودیت‌های انتشار آراء، آزادی بیان و مبارزه با فساد قضایی و مواردی که در آن علی‌الاصول به رسانه اجازه حضور در دادگاه داده می‌شود را مطرح می‌کند و سرانجام با طرح ضرورت آموزش کیفیت نقد آراء زمینه را برای ورود به بخش دوم مقاله یعنی نحوه پوشش رسانه‌ای فساد قضایی در ایران و جهان آماده می‌سازد.

الف) فساد قضایی

عدم سلامت رسانه به عنوان یکی از متغیرهای فساد قضایی و بررسی رابطه متقابل این دو در

تفسیر توسعه حقوقی یک جامعه بسیار مؤثر است. برای فهم این مهم مبحث حاضر به بررسی فساد قضایی به مثابه بحرانی در حقوق عمومی ملت می پردازد. در این مبحث توجه معطوف به ساختار و عملکرد دستگاه قضایی است و در مبحث بعدی ربط آن با تعهدات رسانه بررسی شده است.

۲- فساد قضایی به مثابه یک بحران

از اهداف اولیه انقلاب کبیر اسلامی ایران رسیدن به عدالت بوده و البته بدون معنویت افراد آن به ویژه عاملان صدور و اجرای احکام قضایی، انتظار اجرای عدالت انتظاری بیهوده است، زیرا اگر در جامعه ای عدالت اجتماعی برقرار نباشد پایه معنویت هم متزلزل خواهد بود. (مطهری، ۱۳۷۱: ۲۵۸) لذا در سال های پس از انقلاب اسلامی، کشور ما به دستاوردهای بزرگی در حوزه دستگاه قضایی دست یافت که یکی از آن ها پذیرش استقلال قوه قضاییه برای اجرای بهتر عدالت است؛ اما اکنون به نظر می رسد که باید تلاشی مضاعف برای وصول بدین هدف صورت پذیرد. برای همین منظور برخی (سلیمی نمین، ۱۳۸۹: ۲۴) بر این باورند که در وضعیت فعلی گاه گروهی سازمان یافته تلاش می کنند یک فساد سازمان یافته درون سیستم شکل بگیرد تا انحراف های خود را عادی جلوه دهند.

زمانی که طبع متمایل به قدرت با تمرکز قدرت ترکیب شود، سلاحی دهشتناک ایجاد می شود. ممکن است وقتی پرونده برخی از مسئولان به دادگاه برود، برخی تلاش کنند تا به نحوی قوه قضاییه را از پیگیری بازدارند و به نوعی با مسئله بی کیفیتی ناقضان حقوق بشر می توان مواجه شد. برای این کار شاید برخی در پی آن باشند تا افراد آلوده این قوه را پیدا کرده و جلوی پرونده را بگیرند. دلیل این امر تلاش سازمان یافته برای فساد است که می توانند تا حدودی هم برای رسیدن به اهدافشان موفق باشند. اگر ابزارهای نظارتی وظیفه خود را در قوه قضاییه انجام ندهند این گروه های سازمان یافته بزرگ می شوند. گاهی اوقات قوه قضاییه در رأس هدف فاسدسازی سازمان یافته قرار می گیرد. پس ما اگر می خواهیم در کشور سلامت وجود داشته باشد، مهم ترین مرکز قوه قضاییه است. اگر این قوه سالم باشد، نیروهای فساد در سایر قوه ها هراس بیشتری خواهند داشت. (سلیمی نمین، ۱۳۸۹: ۲۴)

۳- ویژگی های یک دستگاه قضایی سالم

یک دستگاه قضایی سالم که در آن قضات و دیگر فعالان این بخش مورد حمایت قرار می گیرند، تمهیداتی را در خصوص موارد زیر پیش بینی می کند: الف- تدابیر لازم برای حفظ

استقلال قضات، ب- حقوق، مزایا و شرایط کاری مناسب برای قضات، ج- فرایندهای عادلانه و مستقل انتصاب، د- مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی قضایی و ه- شفافیت. استقلال قضایی یک اصل اساسی در دستگاه قضایی به شمار می‌رود؛ هر نوع تلاش برای مقابله با فساد و یا افزایش میزان مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی نباید به قیمت از دست رفتن استقلال قضایی باشد. در واقع، افزایش میزان پاسخگویی و شفافیت تأثیرات مثبتی بر بیطرفی و عدالت قاضی دارد، مشروط بر اینکه موارد احتیاط رعایت شود. استقلال قضات و اقداماتشان آنها را به یک نیروی قدرتمند ضد فساد تبدیل می‌کند؛ اما این خود چالش‌های منحصر به فردی را نیز به وجود می‌آورد. ساختارهای «پاسخگویی» باید بتوانند فعالیت‌های قضایی را زیر نظر داشته باشند و موارد فساد و دیگر اقداماتی را که با امر قضا سنخیت ندارند شناسایی و رسیدگی کنند (جلالی فراهانی و بهره‌مند بگ، نظر، ۱۳۸۷: ۱۶۵)

۴- سازوکارهای پاسخگویی قضات و دستگاه قضایی

برای افزایش سلامت قضایی و دستیابی به رفاه عمومی به عنوان یکی از نتایج اصلی آن، باید مکانیسم‌های مسئولیت و پاسخگویی در دستگاه قضایی معرفی شوند. استقلال قضات با مسئولیت آنها همراه است و این استقلال به معنی مصونیت و عدم پاسخگویی نیست. علاوه بر قضات، قوه قضاییه نیز باید پاسخگو باشد. در این مسیر، شفافیت و پاسخگویی دستگاه قضایی در محورهای زیر قابل بحث است:

۴-۱. پاسخگویی قانونی

با «پاسخگویی قانونی» می‌توان قضاوت‌ها و تصمیمات قضات را رهگیری و مبنای قانونی و حقوقی آنها را از قاضی درخواست نمود، بدین ترتیب میزان آراء صادره تحت نفوذ یا رشوه کاهش پیدا می‌کند. در این راستا دستگاه قضایی باید اطمینان حاصل کند که دلایل قاضی برای تصمیمات قضایی ارائه و منتشر شده و در اختیار عموم قرار می‌گیرد.

۴-۲. پاسخگویی اجرایی

«پاسخگویی اجرایی» تضمین می‌کند که رسیدگی‌های قضایی کاملاً شفاف هستند. ساختار و استانداردها باید بطور منظم ارزیابی و در جهت بهبود تغییر کنند و دستگاه قضایی باید متناسب با استانداردهای حرفه‌ای و اخلاقی عمل نماید. بر این اساس باید ارجاع پرونده به قضات از طریق یک سیستم بیطرف و بر اساس ضوابط و معیارهای واضح و شفاف انجام شود و

رویه دادرسی منجر به اطاله رسیدگی به پرونده نگردیده، قضات وقت کافی برای رسیدگی داشته، تجدیدنظر نیز بدون تأخیر غیرضروری رسیدگی شود.

۳-۴. پاسخگویی مالی

دستگاه قضایی برای استفاده از منابع عمومی پاسخگو است. «پاسخگویی مالی» تضمین می‌کند که دستگاه قضایی مسئولیت استفاده از منابع تخصیص یافته به خود را بر عهده دارد. از قضات مکرراً خواسته می‌شود تا در ارتباط با میزان درآمد خود توضیحات لازم را ارائه کنند؛ در بعضی از کشورها از قضات خواسته می‌شود تا گزارش مالی خود را نیز ارائه نمایند.

۴-۴. شفافیت و منابع

دسترسی عموم به اطلاعات مربوط به دستگاه قضایی، پرونده‌ها، قوانین و مقررات و نحوه استخدام در دستگاه قضایی و نیز فرایندهای انضباطی در دستگاه قضایی باعث افزایش شفافیت و نیز راندمان این رویه‌ها شده و ابزار لازم را برای به چالش کشیدن نا بهنجاری‌ها ارائه می‌نماید. با این هدف:

- هر کسی باید در سطح قابل اعتمادی، به اطلاعات دسترسی داشته باشد.
- اطلاعات مرتبط با عملکرد دستگاه قضایی و دادگاه‌ها باید در سطح وسیعی منتشر شود.
- قضات، وکلا، دانشگاهیان و مردم به قوانین و مقررات، رویه‌های قضایی و تصمیمات دادگاه‌ها دسترسی داشته و از هرگونه تغییر در قوانین آگاهی می‌یابند.

۵-۴. آموزش قضات، رویکردی در جهت استحکام آراء و افزایش پاسخگویی قضایی

آموزش قضات از وظایف قوه قضاییه است و می‌بایست توسط یک نهاد یا شورای قضایی مستقل انجام شود. جهت کسب شرایط استخدام یا پس از استخدام، قضات آموزش‌های اولیه را دریافت می‌دارند و پس از انتصاب نیز تا پایان دوران تصدی خود تحت آموزش مستمر می‌باشند. با هدف افزایش راندمان دادگاه‌ها، لازم است قضات مهارت‌هایی را در ابتدا یا در طول دوران تصدی خود کسب کنند، برخی از این مهارت‌ها عبارت‌اند از: تجزیه و تحلیل حقوقی، ارائه دلایل لازم در تصمیمات قضایی، نگارش آراء و مدیریت پرونده‌ها و نیز آموزش‌های دانش محور همچون کلاس‌های اخلاق و اقدامات ضد فساد.

۵- تجدیدنظرخواهی و فرصت فساد

تجدیدنظر در آراء که ظاهراً روند مهمی برای جبران آراء اشتباه محاکم است، ممکن است

فرصت‌های بیشتری برای فساد قضایی فراهم آورد.^۱ حتی وقتی که قضات براساس شایسته‌سالاری انتخاب شده باشند، در صورتی که فرایند تجدیدنظر در آراء شفاف نباشد، «نتیجه تجدیدنظر به نفع طرف با جیب بزرگتر رجوع داده می‌شود» و طرف ذی حق با منابع مالی محدود که شکایت قانونی خود را ارائه نموده است قادر به پیگیری پرونده خود بیش از مرحله اول نمی‌باشد و این به معنای بی اثر بودن فرآیند تجدیدنظرخواهی است. (گزارش ۲۰۰۷ فساد جهانی: ۲)

تجدیدنظرخواهی از یک رأی می‌تواند ابزاری برای تشخیص رفتار خلاف قانون باشد، زیرا نقض دائمی و همیشگی احکام صادره توسط یک قاضی خاص ممکن است دلالت بر ارتشاء، یا حداقل درک سطحی از قانون و عدم دانش کافی قاضی باشد که این خلأ از طریق انتشار آراء به خوبی قابل کشف و بررسی است.

یکی از پرسش‌های مطرح در اقدامات انضباطی این است که آیا قوه قضائیه مجاز است، خود مسائل انضباطی و نظارتی بخش قضایی را انجام دهد؟ و آیا این روش منجر به این خطر نخواهد شد که قوه قضائیه قضات همکار خود را مورد اغماض و تخفیف قرار دهد؟ طرح‌های مختلفی برای تدابیر انضباطی در دستگاه قضایی و نیز توافق اندکی نیز در مورد این که کدام یک از این طرح‌ها بهتر عمل می‌کند، وجود دارند. هرگونه آیین دادرسی که بخواهد مورد استفاده قرار گیرد، باید طوری موازنه شود که از یک طرف استقلال قضایی را حفظ کند و از طرف دیگر موجبات پاسخگویی و انضباط قضات را فراهم سازد. چنین رویه‌ای مستلزم شفافیت خواهد بود تا اعتماد عموم را جلب کند. در کل ضمانت اجرای این امر به دو دسته تقسیم می‌شود: یک نظام تأدیبی که می‌تواند قضات را برای خطاهای قانونی از قبیل عدم حضور در دادگاه، تأخیر در روند رسیدگی به پرونده یا تخلف کارکنان دادگاه مورد تنبیه، اخطار، جریمه یا تعلیق قرار گیرند و یک نظام برکناری و عزل قضات برای تخلفات شدید از قبیل فساد. (Cárdenas, and Chayer, 2007: 44-45)

۶- مشارکت، بررسی و گزارش توسط جامعه

یکی از عوامل سهیم در فساد قضایی که قطع نظر از نوع نظام حقوقی موجود، قابل علاج نیز

۱. این موضوع علی‌الخصوص در دادگاه‌های تجدیدنظر که آراء قطعی صادر می‌کنند و با محدودیت‌های موجود در اعمال ماده ۱۸ و اصلاح آراء خلاف قانون و خلاف شرع، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. برای اطلاعات بیشتر در خصوص اعتراض به آراء قطعی خلاف شرع، نگاه کنید به: اخوت، محمدعلی، (قاضی سابق دیوان عالی کشور، وکیل دادگستری)، «معضل آراء قطعی خلاف شرع»، قابل دسترسی در سایت «بیان حق» به آدرس:

هست، «مسامحه اجتماعی در برابر فساد» است. از این رو لازم است برای آموزش مردم درباره عملکرد شایسته قضات و دادگاه‌ها تلاش‌هایی صورت گیرد تا آگاهی آن‌ها نسبت به معیارهایی که باید انتظار رعایتشان را داشته باشند افزایش یابد. در این راستا جوامع مدنی (دانشگاهیان و سازمان‌های مردم‌نهاد) نیز می‌توانند مؤثر باشند. در یک نظام قضایی کارآمد، دانشگاهیان و جامعه مدنی در دسترسی به اطلاعات در حوزه قوه قضاییه محدودیت ندارند؛ آن‌ها از تضعیف استقلال قوه قضاییه و قضات یا زیر سؤال بردن درستکاری آن‌ها از طریق انتقاد بدخواهانه یا هواخواهی بیش از اندازه خودداری می‌کنند؛ در آموزش‌های عمومی مرتبط با دستگاه قضایی و مکانیسم‌های پاسخ‌گویی شرکت می‌کنند؛ در خصوص موضوعات مرتبط با فساد قضایی از طریق نظارت بر شاخص‌های احتمالی فساد نظیر پرونده‌ها و موارد بروز فساد، اطلاع عمده و طراحی شده دادرسی و کیفیت تصمیمات، از طریق اظهارنظر در خصوص تصمیمات قضایی به افزایش آگاهی‌ها کمک می‌کنند.

۷- تحلیل آماری پرونده‌ها

تحلیل الگوهای آماری به دست آمده از نحوه تشکیل پرونده‌ها، نحوه مدیریت و ارجاع آن‌ها به قضات و نتایج آن‌ها ممکن است به برقراری هنجارها یا اعتدال کمک و الگوهای غیرعادی که ممکن است شاخصی برای فساد یا دیگر اقدامات جانب‌دارانه باشد را شناسایی کند. درجایی که تخلفی مورد ظن قرار می‌گیرد، می‌توان سوابق قضات خاصی را مورد چنین تحلیل‌هایی قرار داد. (جلالی فراهانی و بهره‌مند بگ‌نظر، ۱۳۸۷: ۱۷۵-۱۷۴)

ب) نقش رسانه در مقابله با فساد

پس از بررسی رابطه متقابل فساد قضایی با فعالیت رسانه به عنوان متغیرهای دخیل در تفسیر توسعه حقوقی یک جامعه، در این مبحث به بررسی تکالیف رسانه و حقوق آن در زمینه مقابله با فساد در دستگاه قضایی می‌پردازیم.

۸- رسالت رسانه در تضمین عدالت

اگرچه قانون‌گذاری برای تضمین و نیز اعلان و شناسایی آزادی‌هاست، بی‌تردید آزادی‌های مقید و حدود آن‌ها را نیز مشخص می‌کند. قانون در آنجا مطرح می‌شود که مردم باید از خواسته‌های شخصی خود صرف‌نظر کنند. قانون صریحاً یا تلویحاً متضمن «باید» و «نباید» است و این به معنی تحدید آزادی است. لذا قانونی که بگوید هیچ آزادی را نباید

محدود کرد، متضمن تناقض است. وظیفه تعیین آزادی مشروع بر عهده قانون است. در این راستا برخی معتقد به «آزادی عادلانه» اند یعنی تنها عدالت است که شایستگی و توانایی محدود کردن آزادی را دارد (جاوید، ۱۳۸۸: ۱۸۶-۱۸۱). در این میان رسانه می‌تواند منجر به تسهیل دسترسی به عدالت شده یا خود تبدیل به مافیایی گردد و به نام آزادی بیش از جنگ‌های متداول جهانی قربانی بگیرد؛ بنابراین انتشار آرای قضایی می‌تواند، دارای معایب و منافی باشد. با در نظر گرفتن جوانب احتیاطی فوق، رسانه‌ها می‌توانند نقش مؤثری در مبارزه با فساد قضایی ایفا کنند. بدین ترتیب خبرنگاران و رسانه‌ها با سوءنیت موجب تضعیف اختیارات و زیرسؤال بردن تصمیمات قضات نمی‌شوند؛ در مورد روش گزارش‌دهی حقوقی آموزش می‌بینند تا گزارش پرونده‌ها، فعالیت‌های قضایی و رویه‌های ضد فساد منصفانه و دقیق باشد؛ و در خصوص شکایات و یا رویه‌های انضباطی در مواردی که علنی باشد، گزارش می‌دهند.

۹- شناسایی رویه قضایی و لزوم انتشار آراء

شرایط ایجاد رویه قضایی با عرف جمعی ارتباط گسترده‌ای دارد. باید دادگاه‌ها ترغیب شوند که در برابر مسئله حقوقی معین از راه‌حل خاص حقوقی استفاده کنند. برای یکسان شدن رویه دادگاه‌ها، انتشار آرای آن‌ها البته یکی از روش‌هاست؛ چراکه تا زمانی که دادرسان و کلای دادگستری از روش کار هم و تصمیم‌های دیوان عالی آگاه نشوند هیچ‌گاه نباید انتظار رویه‌های ثابت و متقن را داشت. یکی از مهم‌ترین دلایل ناتوانی رویه قضایی در کشورهای در حال توسعه این است که رأی دادگاه‌ها به‌صورت خاص و به شکل کامل، در معرض نقد و قضاوت همکاران آن‌ها و سایر حقوقدانان قرار نمی‌گیرد و آراء از طرف هیچ مقامی ارزیابی علمی-حقوقی نمی‌شود. از سوی دیگر، در نظر گرفتن اقتضائات خاص افراد در یک جامعه، لازم می‌سازد تا رویه‌های حقوقی و قضایی جامعه حقوقدانان مورد توجه بیشتر قرار گیرد. این رویه‌ها به‌مثابه ابزارهای مورد استناد و ارجاع، مدام مورد مذاقه قرار گیرند تا مبادا سیالیت ناشی از آنان بر بدنه منضبط قضایی آسیب زده و بی‌محابا منجر به اتخاذ روش و رویه‌های نامتناسب با جوهره عدالت و انصاف در جامعه گردد. یکی از برنامه‌های مطلوب در این زمینه توجه به شفافیت لازم در آرای قضایی است و همان‌گونه که گذشت یکی از ابزارها مناسب در این خصوص انتشار آراء صادره از مسیر رسانه‌های عمومی و تخصصی است.

۱۰- عدالت علنی و تضمین حقوق شهروندی

مطبوعات باید به‌عنوان تریبونی عمومی تلقی شوند که همگان بدون تبعیض و ترس از

حکومت به آن‌ها دسترسی داشته باشند و بتوانند مطالبات خود را بیان دارند. امروزه تأثیر مطبوعات آزاد در تضمین حقوق شهروندی و جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت بر همگان روشن است و لذا تقویت مطبوعات آزاد به‌عنوان یکی از گام‌های مهم در راه رسیدن به حکمرانی خوب بشمار می‌آید. البته باید به این نکته مهم توجه کرد که مطبوعات و رسانه‌ها به عنوان ابزاری برای سوءاستفاده بیگانگان به کار گرفته نشوند و در این راستا باید راهکارهای نظارتی و کنترل بر رسانه‌ها را در نظر گرفت. (آرایی، ۱۳۸۸: ۲۶-۲۴)

علی‌رغم تمامی جوانب احتیاط که در انتشار آرای قضایی باید رعایت شود، این ابزار مهم نباید از گردونه سازوکارهای ضد فساد خارج شود. رسانه، به طور عام و روزنامه‌ها و نشریات و مجلات تخصصی به طور خاص، به عنوان یکی از موفق‌ترین ابزارهای مبارزه با فساد در دنیا محسوب می‌شوند. آمار نشان می‌دهد که قابل اعتمادترین نهادها برای مردم رسانه‌ها هستند. (حق‌شناس و نجف پور، ۱۳۸۹) برای اینکه صدای ضعیف توسط مسئولان، خاصه در قوه قضاییه، رسیده شود «رسانه» با عملکردی صحیح بهترین نقش را می‌تواند ایفا کند.

اعتقاد کلی بر این است که ایجاد امکان نظارت عمومی بهترین راه مطمئن در مقابله با سوءاستفاده از اختیارات قضات است. از آنجا که افراد کمی ممکن است در جامعه وقت یا تمایل داشته باشند که شخصاً در دادگاه حاضر شوند، «اصل عدالت علنی»^۱ ایجاب می‌کند که به مطبوعات یا نشریات تخصصی حقوقی اجازه داده شود به جای مردم حاضر شده و از آنچه در دادگاه‌ها می‌گذرد گزارش بگیرد. بر اساس این اصل است که دادگاه‌ها، به تشخیص قاضی، به آن‌ها حق دسترسی به سوابق و مدارک موجود در دادگاه را می‌دهند. در ارتباط با پوشش خبری دادگاه‌ها، قوانین محلی می‌بایست قویاً از «اصل عدالت علنی» پاسداری کنند؛ بر اساس این اصل، «عدالت مادامی که رؤیت نشود، محقق نشده است». (Robertson QC, Geoffrey, 2007: 108)

آراء و همچنین دفاعیات طرفین باید بدون ذکر نام در معرض دید عموم قرار گیرد. ریاست قوه قضاییه می‌بایست گزارش سالانه‌ای از عملکرد دادگاه‌ها را از طریق رسانه به مردم ارائه دهد. سازمان‌های حقوق بشری و نهادهای مشارکت مدنی از جمله کانون وکلا می‌توانند بررسی انتقادی فساد قضایی را عهده‌دار شود. قوانین نباید روزنامه‌نگاران حامی منافع ملت را از ادامه راه ناامید کنند. (Robertson QC, Geoffrey, 2007: 113)

۱۱- دموکراسی و در دسر قضات

قضات به هزار و یک علت قانونی (اما کاملاً شخصی و جانب‌دارانه) می‌توانند موجب اطلاع

رسیدگی به یک پرونده شوند و در این حال مراجعین دادگاه‌ها هیچ دستاویزی برای شکایت پیدا نخواهند کرد. ابهام، خلأ یا سایر مشکلاتی که در قوانین وجود دارد به قاضی اجازه می‌دهد حکم را به نفع هر طرف که بخواهد صادر کند، به عبارت دیگر می‌تواند با استناد به یک قانون متهم را تبرئه کند یا با استناد به قانون دیگر حکم به محکومیت وی صادر کند. در همین شرایط است که قاضی بدون اینکه تخلفی از سوی او محرز شود، برخلاف عدالت و حق رفتار کرده است و همین جاست که اثبات تخلف یا فساد قاضی دشوار خواهد بود. در این مرحله است که وجدان بیدار مردم می‌تواند ناظر بر اعمال قضات باشد. رسانه با افشای این بی‌عدالتی‌ها اولاً موجب ایجاد هراس در چنین قضات (و کارمندان اداری متخلف) می‌شود و سبب می‌شود قاضی علاوه بر دقت در رسیدگی، از هرگونه جانب‌داری و دخالت دادن اغراض شخصی خودداری کند. ثانیاً موجب افزایش آگاهی‌های عموم مردم و مراجعین دادگاه‌ها از حقوق خود برای دسترسی به عدالت شده و خود می‌تواند مانعی برای ثبت شکایت‌های مکرر و کاهش اطاله دادرسی شود. تعلل در اجرای احکام، ارسال پرونده به مراجع ذی‌ربط، کوتاهی در اجرای عدالت و تضییع حقوق قربانی است و چه خوب گفته‌اند که «عدالت به تأخیر افتاده عدالت انکار شده است»^۱.

برای یک خبرنگار ناکارآموده، یافتن سر نخ کار دشوار است. رشوه توسط وکلا، منشی‌های دادگاه و پلیس در ازای پیروزی موکل در پرونده مطروحه در دادگاه و یا براءت و یا آزادی به قید ضمانت اخذ می‌شود. قضات، به خاطر تحصیل مزایا، ارتقاء یا با امید انتصاب شدن پس از بازنشستگی، احکام خلاف حق خود را با استدلال‌ات ساختگی حقوقی می‌آرایند. این ناراستی‌ها، تنها توسط خبرنگارهای مجرب که ضمن حضور در دادگاه، توانایی تشخیص نقاط مبهم احکام قضایی را دارا هستند، قابل کشف است. (Robertson QC, 2007: 109)

رسانه‌ها می‌توانند با پیگیری شکایات مردمی و گزارش و نامه محرمانه به مسئولین در مرحله اول جلوی بسیاری از موارد فساد را به صورت غیرعلنی بگیرند. تنها پس از این مرحله و زمانی که عوامل فساد کوتاه نیامدند و با زور و تهدید و ارباب عمل متقابل کردند رسانه مورد فساد را علنی می‌کند؛ باید از رسانه استفاده بهینه کرد، حتی می‌توان قبل از انتشار خبر آن را پیگیری کرد. باید بهنگام جلوی موارد فساد را گرفت پیش از اینکه ریشه‌دار شود یا بدنه فساد محکم و تنومند گردد یا حتی بدعتی ایجاد شود.

۱۲- اعمال محدودیت در انتشار

نحوه مواجهه با گزارش‌های فساد در دستگاه قضایی می‌تواند منجر به ایجاد فضای یأس در

جامعه شود. اگر شخصی متوجه فساد در دادگاهی شد و موردی از موارد فساد را کشف کرد، قوه قضاییه، به عنوان مدعی العموم و نماینده مردم باید استقبال کرده و موضوع را پیگیری کند. نباید در مقابل این گزارش‌ها جبهه‌گیری کرده و به طور منفعلانه بار اثبات را بر دوش آن شخص قرار دهد.^۱ ارباب رجوع اگر در دادگاه خلافتی دید و گزارش داد نباید از آن گزارش به راحتی گذشت و آن را نادیده گرفت. بحث افترا و گزارش‌های خلاف واقع نیست؛ چرا کسی که فساد را کشف می‌کند باید هزینه کند؟ در بسیاری از موارد واقعاً پیگیری فساد هیچ نفعی برای این شخص ندارد. اگر فعالانی در جامع پیدا شوند و تلاش کنند با گزارش دهی خود به مسئولان جامعه را به حالت سلامت برگردانند، باید از آن‌ها تقدیر شود. اگر کسانی که فساد را گزارش می‌کنند به دادگاه کشیده شوند تا از خود دفاع کنند، این برای جامعه یأس آور است. بزرگترین امید دشمن این است که در جامعه‌ای یأس وارد کند و این یأس پایدار شود. حق آزادی بیان ایجاب می‌کند که افراد بتوانند بدون هیچ گونه عواقبی حقایق را در قالب کلمات یا اعمال بگنجانند و منظور از عواقب ترس و واهمه از تعقیب و بازخواست حکومت و دولت می‌باشد. اگر توانستی با مدرک ثابت کنی فلان قاضی مرتشی است، مدعی العموم به نمایندگی از عامه مردم است که باید پیگیری کند، چرا باید از رسانه بخواهند ثابت کند رشوه در ازای چه کاری گرفته شده است. قوه قضاییه باید تمایل برای پیگیری و احقاق حق را داشته باشد. (سلیمی نمین، ۱۳۸۹: ۲۴)

در برخورد با فساد قضایی، منابع اطلاع‌رسانی (نفوذی) در دادگاه و یا اداره پلیس، به دلیل کشف و افشای اطلاعات مربوط به موارد فساد، مورد اقدامات تلافی‌جویانه ای همچون اخراج و محرومیت قرار گرفته یا حتی به قتل می‌رسند. اینان منابع اساسی اطلاع‌رسانی هستند، از همین روی حکومت‌های فاسد در پی شناسایی و خاموش کردن آنان می‌باشند. (Robertson QC, 2007: 112)

الهیانه، اگر به رسانه اجازه ورود داده شود، این نهاد قدرتمند می‌تواند افراد متخلف در دادگاه‌ها را به حاشیه براند و به انزوا بکشانند؛ باید پذیرفت که گزارش از تخلف یک قاضی به معنی زیر سؤال بردن درستکاری کل قوه قضاییه نیست و تخلف شخصی آن قاضی است.

۱۳- افشاگری برای عدالت همگانی

بحث بر سر آن است که آیا انتشار جزئیات در دادگاه‌ها خود خلاف حقوق بشر نیست؟ در جایی که هنوز آراء قطعیت نیافته‌اند و اتهامات علیه شخصی ثابت نشده، آیا اعلام عمومی آن،

۱. با توجه به عمومی بودن جنبه فساد، با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۵۲ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، «... ایجاب می‌کند اعم از اینکه شاکیان یا مدعیان خصوصی درخواست تعقیب و اقامه دعوی کرده یا نکرده باشند دادستان خود مرتکبین آن را تعقیب و به کیفر برساند...»

بی‌عدالتی نیست؟ در محاکم برخی کشورها، ملاحظات خاصی «اصل عدالت علنی» را به چالش می‌کشند، برخی از این ملاحظات که مانعی از دسترسی رسانه به اطلاعات دادگاه‌هاست عبارت‌اند از:^۱

- اصل پیش از موعد بودن درخواست؛ بدین معنی که مدارک و شواهد مادام که هنوز بررسی و تأیید نشده‌اند، قابل دسترسی توسط رسانه نخواهند بود؛

- اصل «محاکمه توسط رسانه» قبل از اینکه موضوع را بتوان در دادگاه علنی و دادرسی‌های عمومی مورد رسیدگی قرار داد. بر اساس این اصل تلویزیون و روزنامه ممکن است پیش از صدور حکم یا حتی پس از آن، موجب تلقی مجرمیت یا براءت افراد در نظر عموم گردند؛

- احتمال سوءاستفاده از مدارکی که هنوز صحت آنها مورد تأیید قرار نگرفته، بدون امکان «اعاده حیثیت»؛

- خطر گزارش‌دهی گمراه‌کننده؛

- ضرورت حمایت از رازداری تجاری.

اما با وجود موارد فوق، آیا به صرف تخلف برخی رسانه‌ها، می‌توان این ابزار مفید را برای مبارزه با فساد غیر فعال کرد؟ مردم ممکن است به دلایل متعدد از جمله ناآگاهی از حقوق خود یا ترس از انتقام توسط قاضی، در آن پرونده، از او شکایت نکنند، بنابراین معمولاً آمار صحیحی از موارد فساد قضات به مراجع ذی‌ربط گزارش نمی‌شود، اما نشریات حقوقی می‌توانند با هدف انجام این رسالت به میان توده‌های مردم بروند؛ همان تخلفاتی را که مردم به مراجع ذی‌ربط گزارش نمی‌دهند با اطمینان به گزارشگران می‌گویند و اطلاعات می‌دهند؛ نباید به صرف اینکه برخی افراد با نیت و غرض ورزی گزارش‌های خلاف واقع می‌دهند، این ابزار مناسب را غیرفعال کنیم. نشریات غیر حزبی که با معیارهای اسلامی- انسانی افشاگری می‌کنند، همچون چاقوی جراحی هستند که دمل را بیرون می‌آورد.

بنابراین در صورت امکان، رسیدگی‌های قضایی باید به صورت علنی برگزار شود، آن هم نزد مرجعی که علاوه بر طرف‌های ذی‌نفع، نمایندگان رسانه‌ها، نشریات تخصصی حقوقی، جامعه مدنی و دانشگاهیان نیز حضور داشته باشند. اطلاع‌رسانی عمومی راجع به موضوع‌هایی مانند کارآمدی، سلامت و انصاف در رسیدگی‌ها و نتایج دعاوی از اهمیت بالایی برخوردار است و نباید به موجب قانون و دستور قضایی یا به بهانه «اخلال در محضر دادگاه»^۲ یا ایجاد اخلال در

1. See "Media access to court records and exhibits", Judicial Commission of New South Wales, accessed online: http://www.judcom.nsw.gov.au/publications/benchbks/civil/media_access.html

2. Contempt of court

رسیدگی قضایی به طور ناشایست محدود شوند. راه ندادن رسانه‌ها یا اعمال محدودیت بر اطلاع‌رسانی آن‌ها فقط باید به مسائلی مربوط شود که در توجیه پذیر بودن آن‌ها تردیدی نیست. برای مثال، به منظور حمایت از کودکان و شاکسانی که در معرض خطر قرار دارند، می‌توان به رسانه‌ها اجازه داد در رسیدگی‌ها شرکت و وقایع و نتایج پرونده را منعکس کنند، با این شرط که از معرفی نام اشخاص درگیر خودداری نمایند. رازداری تجاری و امکان از دست رفتن مزایای رقابتی می‌تواند مانعی برای دسترسی رسانه باشند. اقامه کنندگان دعوا و وکلای مدافع نباید با قضات ارتباط داشته باشند، مگر اینکه نمایندگان تمامی طرف‌ها حضور داشته باشند. (جلالی فراهانی و بهره‌مند بگ‌نظر، ۱۳۸۷: ۱۷۱)

۱۴- آزادی بیان، شفافیت و مبارزه با فساد قضایی

از نظر اسلام، ابراز و بیان واقعیات مفید به حال بشر چه در قلمرو مادی و چه در قلمرو معنوی نه تنها آزاد است بلکه کسی که اطلاعی از حقایق داشته باشد و قدرت بیان آن‌ها را در خود احساس کند و با این حال ساکت بماند و مردم را از دریافت آن حقایق محروم کند مسئول است. اسلام دین عقل و اندیشه است و به همین دلیل همواره از بحث و تبادل نظر بر پایه منطق و عقل استقبال کرده و هرگونه نقد و نظر مورد ترغیب و تشویق قرار گرفته است. آزادی بیان در حکومت اسلامی از حقوق اساسی مردم است، در فرهنگ اسلامی انتقاد از حکومت و بیان نظرهای اصلاحی و راهگشا هم حق مردم و هم وظیفه شرعی آنان تلقی می‌شود؛ زیرا با توجه به قلمرو گسترده اصل امر به معروف و نهی از منکر هر کس وظیفه دارد در حد توان خود دیگران را به کار نیک فرمان دهد و از اموری که برخلاف مصلحت دین و جامعه است باز دارد. (شریعتی، ۱۳۸۴: ۱۵۷)

اگر به دلایل مختلف دولت در برابر مقوله فساد قضات و کارمندان دستگاه قضایی طوری جبهه‌گیری کند که هر نوع گزارشی از فساد به معنای زیرسؤال بردن نظام قلمداد شود، این امر منجر به ایجاد محدودیت در کارکرد رسانه‌ای رادیو و تلویزیون و تعطیلی عملکرد این نهاد در اطلاع‌رسانی از موارد فساد خواهد شد.

۱۵- مواردی که در آن علی‌الاصول به رسانه اجازه حضور در دادگاه داده می‌شود

اگر قاضی تشخیص دهد که مدارک یا بخشی از آنها می‌بایست محرمانه بماند، می‌تواند از صدور اجازه دسترسی خودداری کند. قاضی می‌تواند دستور دهد بخشی از مدارک، اظهارات شهود و لوایحی که حاوی مطالب شرم آور، بی‌فایده، ایذایی، نامربوط یا اجحاف آمیز است از

پرونده خارج و مابقی در اختیار رسانه قرار گیرد. رسانه با ذکر دلایل باید بتواند از دادگاه اجازه دسترسی به مدارک و اطلاعات را کسب کند. اجازه دسترسی معمولاً در این موارد به رسانه داده می‌شود:^۱

- پرونده‌های مختومه، به استثنای موارد محرمانه؛
 - مدارکی که اظهارات یا اقدامات انجام شده در دادگاه علنی را ضبط کرده‌اند؛
 - اطلاعاتی که در یک دادگاه علنی قابل شنیدن یا دیدن باشد.
- اگر در پرونده‌ای، رسانه تقاضای دسترسی به دو استشهاده را داشته باشد که یکی از آن‌ها در دادگاه علنی استماع نشده است، دسترسی می‌تواند منوط به امحاء نام شهود احتمالی داده شود. صدور رأی مغرضانه به نفع یکی از طرفین نیز می‌تواند دلیلی برای امکان دسترسی به اطلاعات پرونده توسط رسانه شود. این دسترسی ممکن است پس از پاک کردن یک سری اطلاعات محرمانه ای برقرار شود که ارزش استناد هم نداشته باشند. دسترسی به مدارک و صورتجلسه دادگاه و نیز اموال طرفین نیز ممکن است داده شود.^۲
- اگر موضوع جنبه عمومی داشته و از قبل منتشر شده باشد و لطمه‌ای به دادرسی عادلانه وارد نکند، قابل دسترسی توسط رسانه است.

۱۶- کیفیت نقد آراء

پس از اینکه نقش کارساز رسانه در مقابله با فساد قضایی مورد تأیید سیاسی و قانونی مسئولان قرار گرفت و بسترهای لازم فراهم شد، زمان آن می‌رسد که نحوه استفاده صحیح و مناسب از این ابزار آموزش داده شود. تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها، مجلات و نشریات تجاری نقشی حیاتی در جهت دادن به افکار عمومی ایفا می‌کنند. برای مبارزه با فساد در دستگاه قضایی و استفاده صحیح و مناسب از ابزار رسانه بدین منظور، ضروری است درک صحیحی از رسانه‌های جمعی داشته و برای جلب حمایت عمومی و افزایش آگاهی مردم نسبت به این امر خطیر بتوان آن را خلاقانه به کار برد. با این هدف، آموزش‌های لازم شامل دستورالعمل و تکنیک‌های پذیرفته شده باید ارائه شود.

بخش دوم: نحوه پوشش رسانه‌ای فساد قضایی در ایران و جهان

عملکرد قضایی اعم از مفید یا منفی باید به آگاهی عمومی برسد اما علل مختلفی این فرایند

1. "Media Access to Court Records and Exhibits", Judicial Commission of New South Wales, accessed online: http://www.judcom.nsw.gov.au/publications/benchbks/civil/media_access.html

2. Ibid

شفافیت حقوقی را که در اصل به سود عموم و حقوق عمومی است تحت شعاع قرار می‌دهد. بخش حاضر این مهم را در یک قالب مقایسه‌ای دیده است.

الف) رسانه در آیین بین‌الملل

در حقوق بین‌الملل اصل بر آزادی بیان است. به موجب ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، «هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به محدودیت خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود است.» به موجب همین ماده، چنین حقی تنها در صورتی تابع محدودیت‌هایی می‌شود که در قانون تصریح شده و برای اموری مانند حقوق و حیثیت دیگران، یا حفظ امنیت یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی ضرورت داشته باشد. از آنجاکه آزادی بیان در راستای تأمین منافع عمومی است، تنها در صورتی می‌توان از آن صرف نظر کرد که همین منافع در جهت دیگری، مثلاً برای تضمین محاکمه منصفانه و یا حفظ حریم خصوصی شهروندان استقرار یابند. در هر حال، این استثنائات باید به صورت مضیق تفسیر شود.

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی و معاهدات حقوق بشری مرتبط، رسانه را آزاد می‌گذارند تا اقدامات سؤال‌برانگیز دولت و نهادها را به چالش بکشند. این اسناد دولت‌ها را مکلف به افشای اطلاعات لازم و حمایت از روزنامه‌نگارانی می‌کنند که ترجیح می‌دهند منابع خبری آن‌ها لو نرود. استفاده مناسب و نه رد فوری، از اطلاعات و اخبار اینترنتی امری ضروری است. امروزه اتهامات فساد، در ابتدا بر روی وبسایت‌ها ظاهر می‌شود.

ب) عملکرد رسانه در دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران

در ایران، در طی سال‌های اخیر، رسانه‌ها، نمایندگان مردم، نخبگان کشور، تشکل‌ها و جریان‌های مختلف اجتماعی، موضوع مبارزه با فساد را به‌طور جدی دنبال نموده، ضمن ترویج فرهنگ مبارزه با فساد در سطح جامعه و اطلاع‌رسانی موارد فساد، مراجع مسئول را موظف به اقدام و پاسخگویی در این زمینه کرده‌اند. قوانین متعددی در ایران رسانه‌ها را به عنوان یک ابزار مفید در جهت دستیابی به عدالت پشتیبانی می‌کنند.

به عنوان نمونه، بر اساس اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی، تمامی محاکمات باید علنی برگزار شود و حضور افراد بلا مانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی مصلحت نظام، عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا

تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد. با این حال، این اصل از قانون اساسی در بسیاری از دادگاه‌ها به دلایلی اجرایی نمی‌شود و قضات از اجرای آن سر باز می‌زنند. در حقیقت خودداری قضات از برگزاری دادگاه علنی موجب انزوای قانون در دادگاه‌ها می‌شود.

گاهی اوقات مردم از ترس اقدامات تلافی‌جویانه قضات در فرایند رسیدگی جرئت نمی‌کنند موارد فساد را به مراجع ذی‌ربط گزارش دهند. سوءاستفاده قاضی از اختیارات خود و حمایت مافوق از قاضی متخلف نیز از مواردی است که در آن طرح شکایت علیه قاضی مشکلی را حل نمی‌کند. شکایت از قاضی در حال رسیدگی به پرونده معمولاً به نفع شاکی نیست؛ سکوت در برابر او نیز منجر به فساد در آن پرونده به طور خاص و در کل دستگاه قضایی به طور عام می‌شود. شکایت در دادرسی انتظامی قضات نیز زمان‌بر است. در این میان رسانه می‌تواند در میان توده مردم رفته و حداقل نارضایتی کلی مردم و گزارش‌های موردی را علنی کند. کشور ایران با در نظر گرفتن قله قدرت قضایی، نسبتاً دارای رأس قابل اعتماد و سالمی است. تجربه قضایی هم نشان از آن دارد که در عموم کشورها، فساد در قوه قضاییه اغلب در سطح مقامات عالی نیست. بلکه در سطح میانی است. رانت اطلاعاتی و نسبتاً با قدرت قضایی می‌تواند فی‌نفسه فساد آفرین باشد لذا نباید یک کارمند جزء یا میانی اجازه و موقعیت این را داشته باشد طبیعتاً اگر رأس سالم باشد اما بدنه دستگاه فاسد، عدالت محقق نمی‌شود. از این‌روست که بر طبق اصل ۴۳ و اصل ۱۴۲ قانون اساسی تلاش دارد تا به نوعی نسبت قدرت، ثروت و قضاوت را شفاف کرده و از آسیب‌های فسادانگیز و پیوند نامشروع آنان بر حذر دارد. جالب آنکه قوه قضاییه در این خصوص خود ناظر و ضامن تلقی شده است.

می‌توان به جای ممنوعیت حضور رسانه در دادگاه‌ها، با پذیرش مشروط این امر، با تصویب قوانینی هرگونه سوءاستفاده از اطلاعات را چه در هنگام تحقیق و ذخیره کردن اطلاعات و چه در هنگام منتقل کردن آن گرفت. در هر حال، همان‌گونه که توصیه اسلام است، اگر جرمی صورت پذیرد باید مجرم را به مردم نشان داد تا مایه عبرت شود. قوه قضاییه باید برنامه‌های خود را در جهت آزادی بیان اعلام کند. صدها سال این جامعه درگیر این‌گونه مشکلات بوده است و شاید زمان آن باشد که با تعیین چارچوب‌ها تغییراتی ایجاد شود. از نظر نقش نظارتی رسانه در شفاف‌سازی پرونده‌های فساد در دستگاه قضایی نیز دستورالعمل لازم یا دستور مستقیم از مسئولین بلندپایه دستگاه قضایی لازم است و عدم امکان شفاف‌سازی در این زمینه، موجب ضررهای جبران‌ناپذیری خواهد شد. کارکرد ضعیف دستگاه‌های نظارتی، با هیچ توجیهی نمی‌تواند جبران‌کننده حقوق تضییع شده ملت ایران باشد. بزرگ‌نمایی نباید دستاویزی برای غیرفعال کردن رسانه در مبارزه با فساد شود. مسیر رسیدن به «اطلاعات طبقه‌بندی نشده» باید مشخص شود. دادگاه

محاكمه قضات متخلف پخش شود تا حساب کار دست ديگران بيايد.

علاوه بر قانون اساسی، قوانین مجلس و برخی آیین‌نامه‌ها نیز به نقش رسانه‌ها در تضمین حقوق ملت اشاره دارند. به عنوان نمونه، در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، موادی به نقش رسانه در دستگاه قضایی پرداخته‌اند که عبارت‌اند از:

ماده ۹۶- انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضائی ممنوع است مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است:

الف- متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود.

ب- متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوی خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود.

ماده ۳۵۳- انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان‌پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراء است.

... تبصره ۲- انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است، در صورتی که به عللی از قبیل خدشه‌دار شدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه، ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضائیه امکان‌پذیر است.

ماده ۴۰۰- محاکمات دادگاه کیفری یک، ضبط صوتی و در صورت تشخیص دادگاه، ضبط تصویری نیز می‌شود. انتشار آن‌ها ممنوع و استفاده از آن‌ها نیز منوط به اجازه دادگاه است.

ماده ۵۱۲- شخصی که به موجب حکم قطعی، برائت حاصل کند، می‌تواند حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی، از دادگاه صادر کننده حکم نخستین درخواست نماید که حکم برائت از محل اعتبارات مربوط به قوه قضائیه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شود.

به موجب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز یکی از مجازات تعزیری درجه ۶ انتشار حکم قطعی در رسانه‌هاست که به موجب ماده ۲۰ این قانون درباره اشخاص حقوقی نیز قابل اعمال است. همچنین به موجب ماده ۳۶ این قانون، حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود. به موجب تبصره این ماده نیز، انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم مندرج در این ماده که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود.

در «برنامه ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» نیز «تدوین لایحه توانمندسازی و حمایت از سازمان‌های غیردولتی و مطبوعات در زمینه پیشگیری و مبارزه با فساد»، پیش بینی شده است. هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۰ به استناد اصل یک‌صد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی «برنامه ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» را به تصویب نمود. شفاف‌سازی انجام امور و فعالیت‌ها و افزایش پاسخگویی و بهبود فرهنگ عمومی و تقویت نظارت مردمی از اهداف اصلی این برنامه می‌باشند. به منظور پیشگیری از بروز فساد در کلیه دستگاه‌ها، سازمان‌های دولتی و عمومی و مؤسسات و سازمان‌های وابسته به آن‌ها و ارتقاء سلامت در نظام اداری و اجرایی کشور، کلیه دستگاه‌های مشمول این برنامه موظف شدند لوایح مورد نظر ذیل را برای تسری، اصلاح یا اطلاق قوانین انجام و ظرف یک سال پس از ابلاغ این برنامه به هیئت وزیران ارائه نمایند. یکی از این موارد وظیفه‌ای است در این لایحه که بر عهده وزارت دادگستری قرار داده شد. همچنین ستاد ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد با همکاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و دستگاه‌های عضو ستاد، موظف شدن لایحه ضد فساد خود را ظرف یک سال ارائه دهند. شفاف‌سازی حیطه وظایف، اختیارات و نحوه انجام امور و فعالیت واحدها و دستگاه‌های اجرایی با تأکید بر توسعه آگاهی‌های همگانی در خصوص حقوق، وظایف و تکالیف مربوط به کارکنان واحدها و دستگاه‌ها نیز از موارد مندرج در این لایحه است. بهبود و افزایش پاسخگویی در قبال تصمیمات و اقدامات مربوط و افزایش آگاهی عمومی نسبت به عملکرد دستگاه‌ها و ایجاد فرصت طرح انتقادات و ارزیابی‌های مردم از آن‌ها با همکاری رسانه‌های جمعی از جمله سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران؛ وزارتخانه‌های کشور و فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف‌اند بررسی‌ها، تسهیلات، اقدامات، همکاری‌ها و هماهنگی‌های لازم را در خصوص توانمندسازی و حمایت از سازمان‌های

غیردولتی و مطبوعات در زمینه پیشگیری و مبارزه با فساد را با رعایت مصالح نظام و در چارچوب قوانین و مقررات مربوط معمول دارند.

به موجب قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) نیز قوه قضائیه مکلف است سامانه الکترونیکی کاهش زمان دادرسی در کلیه مراجع قضائی را طراحی نماید به نحوی که در این سامانه حداقل علت تجدید وقت رسیدگی برای اصحاب دعوا معلوم و قابل دسترسی باشد و وقت رسیدگی به پرونده‌ها با در نظر داشتن اوقات فوری خارج از نوبت به طور خودکار تعیین شود.

قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ششم بهمن ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۳۱ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد، در تاریخ مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۴ مجلس شورای اسلامی واصل گردید. به موجب تبصره ماده ۵ این قانون، «اطلاعاتی که متضمن حق و تکلیف برای مردم است باید علاوه بر موارد قانونی موجود از طریق انتشار و اعلان عمومی و رسانه‌های همگانی به آگاهی مردم برسد». بر این اساس، مطابق ماده ۸ این قانون، مؤسسات عمومی یا خصوصی باید به درخواست دسترسی به اطلاعات در سریع‌ترین زمان ممکن پاسخ دهند و در هر صورت مدت زمان پاسخ نمی‌تواند حداکثر بیش از ده روز از زمان دریافت درخواست باشد. فصل سوم این قانون، تحت عنوان ترویج شفافیت را می‌توان به ضرورت انتشار عملکرد سالانه قوه قضائیه تعمیم داد که در ماده ۱۰ قانون فوق به شرح زیر آمده است: «هر یک از مؤسسات عمومی باید جز در مواردی که اطلاعات دارای طبقه‌بندی است، در راستای نفع عمومی و حقوق شهروندی دست کم به طور سالانه اطلاعات عمومی شامل عملکرد و ترازنامه (بیان) خود را با استفاده از امکانات رایانه‌ای و حتی الامکان در یک کتاب راهنما... منتشر سازد». در این میان آن‌چنان که در بند ج از ماده فوق آمده باید «ساز و کارهای شکایت شهروندان از تصمیمات یا اقدامات آن مؤسسه» مشخص شود که با توجه به محدودیت‌های موجود در اعمال ماده ۱۸ در اعتراض به آراء خلاف شرع، این موضوع قابل بررسی است.

در خصوص طبقه‌بندی اسرار دولتی و نیز ممنوعیت انتشار اطلاعات شخصی، اولاً، مطابق ماده ۱۱ قانون فوق «مصوبه و تصمیمی که موجد حق یا تکلیف عمومی است قابل طبقه‌بندی به عنوان اسرار دولتی نیست و انتشار آن‌ها الزامی خواهد بود». ثانیاً، دادگاه‌ها می‌توانند آرای قضایی را با حذف اسامی طرفین و رعایت مصالح مربوطه در اختیار منابع متقاضی قرار دهند؛ و در اینجاست که انتشار آراء جنبه تکلیف عمومی پیدا کرده و قابلیت حفظ به عنوان اسناد

محرمانه را پیدا نمی‌کند. تنها زمانی که درخواست انتشار آرا باید رد شود، وقتی است که اطلاعات مربوط به حریم خصوصی اشخاص باشد یا طبق ماده ۱۴ این قانون «در زمره اطلاعاتی باشد که با نقض احکام مربوط به حریم خصوصی تحصیل شده است».

فصل پنجم قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مربوط به کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات است. بدین ترتیب، به موجب ماده ۱۸ قانون مذکور، «به منظور حمایت از آزادی اطلاعات و دسترسی همگانی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی که خدمات عمومی ارائه می‌دهند، تدوین برنامه‌های اجرائی لازم در عرصه اطلاع‌رسانی، نظارت کلی بر حسن اجرا، رفع اختلاف در چگونگی ارائه اطلاعات موضوع این قانون از طریق ایجاد وحدت رویه، فرهنگ‌سازی، ارشاد و ارائه نظرات مشورتی، کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به دستور رئیس‌جمهور تشکیل می‌شود». این کمیسیون «باید هر ساله گزارشی درباره رعایت این قانون در مؤسسات مشمول این قانون و فعالیت‌های خود را به مجلس شورای اسلامی و رئیس‌جمهور تقدیم کند». بر اساس ماده ۲۲، «ممانعت از دسترسی به اطلاعات برخلاف مقررات این قانون» جرم بوده و مرتکب به پرداخت جزاء نقدی از سیصد هزار (۳۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.

بخش سوم: راهکارهای پیشنهادی

با توجه به موارد مذکور، ضروری است راهکارهایی برای انتشار آرای قضایی در نظر گرفته شود. برای این منظور می‌توان یک سایت اینترنتی تحت نظارت قوه قضاییه - که از طریق دیوان عالی کشور نیز می‌تواند در ایجاد «وحدت رویه» تأثیرگذار باشد - ایجاد و همه شعب دادگاه‌های کشور ملزم به همکاری با این سایت شوند، به نحوی که هر شعبه بدوی در دادگستری‌ها و دیوان عدالت اداری، هر ماه تعداد معینی از آراء خود را جهت انتشار در اختیار دادستان کل قرار دهد. همین‌طور تمامی آراء دادگاه‌های تجدیدنظر استان، دادگاه‌های کیفری استان و شعب و هیئت عمومی دیوان عالی کشور و نیز آراء شعب تجدیدنظر و هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، پس از حذف اسامی طرفین، از این طریق منتشر و بدون محدودیت در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد تا استادان و دانشجویان حقوق، اولاً به عنوان بخشی از تحقیقات خود در راه گسترش علمی حقوق از آن‌ها استفاده کنند و ثانیاً با نقد و بررسی آن‌ها از طریق یادداشت، مقاله و سخنرانی، دادگاه‌ها را در تفسیر و اجرای صحیح قانون کمک کنند. همچنین، ضروری است، برای نقد آرای قضایی کشور توسط حقوقدانان، ماهنامه‌ای منتشر و وظیفه خود را ایفا کند. به طور کل، به منظور افزایش شفافیت قضایی جهت دستیابی به عدالت به عنوان

یکی از حقوق بنیادین بشر، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- * ابزارهای نظارتی در قوه قضاییه تقویت شود.
- * تدابیر لازم برای حفظ استقلال قضات اتخاذ گردد.
- * مکانیسم‌های مسئولیت و پاسخگویی (قانونی، اجرایی و مالی) در دستگاه قضایی تعریف شود.
- * مسیر رسیدن به «اطلاعات غیر محرمانه» مشخص شود.
- * مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی قوه قضاییه و دادگستری در برابر عموم مردم تقویت و اطلاعات مرتبط با عملکرد دستگاه قضایی و دادگاه‌ها در سطح وسیعی منتشر شود.
- * با هدف ایجاد هراس نسبت به صدور تصمیمات قضایی غیرمستدل، آرای قضایی تحلیل و نتایج آن‌ها منتشر شود.
- * سیستم‌های مدیریت پرونده دیجیتال شود.
- * مکانیسم‌های شفافیت برای اعتراض به آرای قطعی خلاف قانون تعریف شوند.
- * با نظارت بر روند تجدیدنظرخواهی، این دادگاه‌ها تبدیل به فرصت بیشتری برای فساد نشوند.
- * مکانیسم‌های مشارکت، بررسی و گزارش فساد توسط جامعه تقویت شود.
- * دسترسی دانشگاهیان و جامعه مدنی به اطلاعات حوزه قوه قضاییه تسهیل گردد.
- * دانشگاهیان نسبت به ارائه نظرات خود در سطح مجلات تخصصی حقوقی و نه در رسانه‌ها تشویق شوند.
- * در صورت امکان، رسیدگی‌های قضایی، با حضور نمایندگان رسانه‌ها، نشریات تخصصی حقوقی، جامعه مدنی و دانشگاهیان، به صورت علنی برگزار شود.
- * انتقادات از تضعیف استقلال قوه قضاییه و قضات یا زیر سؤال بردن درستکاری آن‌ها از طریق انتقاد بدخواهانه یا هواخواهی بیش از اندازه خودداری کنند.
- * به منظور کارکرد مناسب در مبارزه با فساد قضایی، رسانه‌ها در مورد روش گزارش دهی حقوقی آموزش ببینند تا گزارش پرونده‌ها، فعالیت‌های قضایی و رویه‌های ضد فساد منصفانه و دقیق باشد.
- * اصل عدالت علنی اجرا و امکان نظارت عمومی بر دستگاه قضایی از روش‌های مذکور در این نوشتار فراهم شود.
- * مطبوعات و نشریات تخصصی حقوقی مجاز به حضور در دادگاه‌ها باشند.
- * قوانین دست و پاگیر و مجازات‌ها، روزنامه‌نگاران حامی منافع عمومی را از ادامه راه ناامید

نسازند.

*به دلیل اعتماد مردم در گزارش به رسانه، امکان پیگیری شکایات مردمی به رسانه‌ها و تعامل رسانه و دستگاه قضایی فراهم شود.

*منابع اطلاعات رسانی و خبری مردمی از امنیت کافی برخوردار باشند.

*مدارک و شواهد مادام که هنوز بررسی و تأیید نشده‌اند، قابل دسترسی توسط رسانه نباشند.

*خطر گزارش‌دهی گمراه‌کننده و مغرضانه مدنظر قرار بگیرد.

۱۷- نتیجه

قوه قضاییه ضامن سلامت و توسعه عدالت و امنیت در جامعه است. با این حال، اعضای دستگاه قضا و خانواده حقوق در هر جامعه‌ای می‌تواند خود بجای ملجأ مردم بی‌پناه به منبعی برای چپاول و سلب اعتماد آنان بدل گردد. طبیعتاً مستعدترین بخش برای فساد خود قوه قضائیه است که مسئولیت عدالت ورزی را بر عهده دارد و برای این منظور مجموعه‌ای از اسرار محرمانه شهروندان و اطلاعات مخفیانه مسئولان را در دستان خویش دارد. از این منظر نهاد قضا در هر جامعه بیش از سایر نهادها باید دارای شفافیت و قاطعیت باشد تا پناهگاه اعتماد همگان قرار گیرد. از این رو با تمرکز بر روش‌های جدید آموزش، ابزارهای نوین توسعه قضایی، نظارت مستمر و درونی بر اعضای دستگاه قضا، تعیین مجازات مضاعف برای متخلفین و مفسدان قضایی، عمومی و همگانی ساختن مراحل نظارت، پیگیری، دادرسی و مجازات از طرق رسانه‌های عمومی می‌توان در عمل دستگاه قضا را به دشمن فساد تبدیل کرد. به نظر می‌رسد در این راه قوه قضاییه باید موضع خود را در جهت انتشار آزاد آرای قضایی مشخص کند. کشور ما قوانین و مقررات متعددی در زمینه شفافیت قضایی دارد (که بخشی از آن در وظایف و اختیارات شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه) تعریف شده است. قوه قضاییه باید در خصوص اجرای این قوانین گزارش منظم ارائه دهد. گرچه نشریات و رسانه‌ها اغلب به دلیل انعکاس احساسی پرونده‌های حقوقی، مورد انتقاد قرار می‌گیرند، اما با فراهم کردن آموزش حقوقی لازم در این زمینه، با هدف افزایش مهارت در کشف نقایص نظام حقوقی و یا وقایع مربوط به ارتشاء و فساد، بی‌تردید می‌توان این نقیصه را برطرف کرد. با وجود این، بدون اعطای حق دسترسی به اطلاعات پرونده‌های حقوقی و انتشار مطالب مرتبط با آن، این آموزش حقوقی نیز، عملاً بی‌ثمر بوده و کارکرد نظارتی رسانه را تقلیل خواهد داد. در ارتباط با پوشش خبری دادگاه‌ها، قوانین می‌بایست، با قدرت از «اصل عدالت علنی» پاسداری کنند؛ بر اساس این اصل،

«عدالت مادامی که رؤیت نشود، محقق نشده است». فراموش نکنیم که خطاها، بهای سختی در دستگاه قضاست که منجر به سقوط نابهنگام پرواز آرمانی عدالت می‌شود. آنگونه که در این مقاله بیان شد، با استفاده بهینه از کارکردهای رسانه در دستگاه قضایی می‌توان با تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها از افزایش ظرفیت‌ها در خوداصلاحی نظام قضایی و در نهایت استقرار عدالت در جامعه حمایت کرد.

سرانجام باید پذیرفت که در کشور ما آزادی بیان و رسانه سابقه طولانی ندارد پس باید زمانی بگذرد تا دولت و مردم بیاموزند که به حقوق هم احترام بگذارند و نه مردم (رسانه) با سوءاستفاده از آزادی بیان تمامیت و وحدت کشور را به خطر اندازند و نه دولت این حق اساسی مردم (رسانه) را نقض نماید.

منابع

الف) فارسی

کتاب

- جاوید، محمدجواد، (۱۳۸۸)، *نظریه نسبیت در حقوق شهروندی (تحلیلی مبتنی بر اطلاق در حقوق طبیعی)*، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نشر گرایش.
- جلالی فراهانی، امیرحسین و بهره‌مند بگ نظر، حمید، (۱۳۸۷)، *برنامه‌های جهانی مبارزه با فساد*، تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها.
- شریعی، سعید، (۱۳۸۴)، *حقوق ملت و دولت در قانون اساسی*، تهران، نشر کانون اندیشه جوان.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۳)، *مبانی حقوق عمومی*، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۱)، *مجموعه آثار*، ج ۲۴، تهران: صدرا.
- مهرپور، حسین، (۱۳۸۳)، *نظام بین‌المللی حقوق بشر*، چاپ دوم، تهران، انتشارات اطلاعات.

مقاله

- آرای، وحید، (۱۳۸۸)، «حکمرانی خوب به مثابه آرمان نظارت و ارزیابی»، معاونت برنامه‌ریزی و مدیریت منابع مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی سازمان بازرسی کل کشور، گزارش پژوهشی، سال دوم، شماره ششم.
- بختیار نژاد، پروین، (۱۳۸۴)، «اصلاح رویه قضایی با نقد آرای قضایی در گفتگو با دکتر کاتوزیان»، روزنامه شرق، ۲۶ آبان.

گزارش

- حق‌شناس، محمدجواد و نجف‌پور، شعبان، (۱۳۸۹)، *بارومتر جهانی فساد سال ۲۰۱۰*، گزارش پژوهشی سازمان بازرسی کل کشور، سال سوم، بهمن، شماره ۳۰.
- (۲۰۰۷)، گزارش فساد جهانی، ترجمه آرش فرهودی، سازمان بازرسی کل کشور.

سایت

- اخوت، محمدعلی، (۱۳۹۰)، معضل آرای قطعی خلاف شرع، در سایت «بیان حق»:

<http://bayanehagh.persianblog.ir/post/27>

- سلیمی نمین، عباس، (۱۳۸۹)، « ریشه‌کنی فساد به شرط‌ها»، ۱۷ مرداد، روزنامه حمایت، بخش حقوقی قضایی، ۱۳۹۳/۹/۱۷.

سایر منابع

- قرآن کریم.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر.
- میثاق حقوق مدنی و سیاسی.
- برنامه ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، مصوب هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۰.
- رأی وحدت رویه شماره ۵۲ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور.
- قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مورخ ۱۳۸۸/۵/۳۱.
- قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مصوب ۶ بهمن ۱۳۸۷.
- قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲.
- قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰).
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.

ب) انگلیسی

- Cárdenas, Emilio J. and Chayer, Héctor M. (2007), *Corruption, Accountability and the Discipline of Judges in Latin America*, in: *Transparency International, Global Corruption Report on Corruption in Judicial Systems*, New York: Cambridge University Press.
- Judicial Commission of New South Wales (2015) "Media Access to Court Records and Exhibits", accessed online: http://www.judcom.nsw.gov.au/publications/benchbks/civil/media_access.html
- Robertson QC, Geoffrey (2007), *The Media and Judicial Corruption*, in: *Global Corruption Report*, Transparency International, Cambridge University Press.
- Transparency International (2007), *Global Corruption Report on Corruption in Judicial Systems*; New York: Cambridge University Press
- Transparency International (2010), *Global Corruption Barometer 2010*, Retrieved: Transparency International, <http://www.transparency.org/www.csrglobal.cn/upload/image/303453.pdf>